جناب استاد

**غلامعلی نجّار**

و از جمله مهاجرين و مجاورين استاد غلا معلی نجّار بود \* اين استاد ماهر از اهل کاشان و در ايمان و ايقان سيف شاهر در وطن خويش در نزد بيگانه و خويش مسلّم در ديانت بود و مجرّب در امانت و عدم خيانت بسيار غيور بود و پاک و حصور \* چون ديده بنور هدی روشن کرد شوق لقا آتش افروخت در کمال وجد و طرب و شور و وله از ارض کاف بعراق سفر نمود و مشاهدهء انوار اشراق کرد مهجور و مظلوم بود و در نهايت صبر و سکون \* در دار السّلام بصنعت خويش مشغول گشت و با ياران مألوف شد و بشرف حضور مرزوق گرديد \* ايّامی در نهايت راحت و سرور ميگذراند تا آنکه حرکت اسرا بسمت حدباء گرديد او نيز از مظلومان بود و مغضوب عوانان \* مدّتی در اسيری بسر برد و چون حرّيّت حاصل نمود بمدينه عکا آمد و با زندانيان همدم و همراز شد \* در اين قلعه نيز بصنعت خويش پرداخت و از بيگانه و خويش در کنار بود بتنهائی ميل داشت اکثر اوقات منفردًا زيست مينمود \*

تا آنکه مصيبت کبری رخ داد و رزيّه عظمی واقع شد نجّاری تربت پاک را در عهده گرفت و در نهايت اتقان سعی و کوشش نمود الی الآن سقف شيشه که بر حياط حجره مقدّسه است کار و صنعت او است \* اين شخص بی‌نهايت صافی ضمير بود و روی منير داشت بر حالت واحده ثابت بود تلوّن و تزلزل نداشت تا نفس اخير در نهايت متانت و محبّت و ديانت بود \* بعد از سالهای چند که در جوار بود بجوار رحمت کبری پرواز نمود و با اهل جنّت عليا همدم و همراز گرديد در دو جهان بشرف لقا فائز شد \* اينست موهبت عظمی اينست عطيّهء کبری و عليه التّحيّة و الثّناء \* و جدث نورانيش در عکا است \*